



Re-creation of Political Trust in Today's Iran

Mostafa Ghorbani * 

Assistant Professor, Department of
Political Science, Shahid Mahallati
Higher Education Complex, Qom, Iran

Mojtaba Pashaei 

PhD student, Department of Political
Science, Baqir-ul-Ulum University,
Qom, Iran

Extended Abstract

Introduction

Driven by a documented decline in political trust in recent years, Iran is facing numerous challenges within the field of political governance. Despite this, although the issue of political trust has been addressed in Iranian sociological research, so far no comprehensive study has been conducted regarding methods to restore or reconstruct political trust in Iran. Therefore, the present study, from the perspective of political sociology, attempts to analyze the ways of reconstructing this critical element in contemporary Iran, while

* Corresponding Author: dr.ghorbani91@gmail.com

How to Cite: Ghorbani, M. and Pashaei, M. (2026). Re-creation of Political trust in today's Iran. *State Studies*, 12(45), 407 -. doi: [10.22054/tssq.2024.74485.1428](https://doi.org/10.22054/tssq.2024.74485.1428)

considering the current state of political trust within the country. The purpose of this research is to analyze how to rebuild political trust in contemporary Iran through a political sociological approach, in order to propose necessary solutions to manage the decline of trust, a significant challenge that simultaneously affects the quality of governance and the future of Iran's development, while addressing this macro-level issue. Consequently, this study is policy-oriented in nature.

Methodology

By combining a cultural approach, with a specific focus on Jean Baudrillard's concept of hyperreality, and an institutional approach utilizing systems theory as a theoretical framework, this study indicates that political trust in contemporary Iran is a variable contingent upon the political system's efficiency in providing valid responses to citizens' demands, preferences, and subjective perceptions. The latter factor is particularly influenced by the intensity of the hyperreality constructed by media representations. In contemporary Iran, political trust is declining due to inadequacies in both of these aforementioned areas.

Results and Discussion

Based on the aforementioned theoretical framework and methodology, to reconstruct political trust in contemporary Iran and strengthen the political system's five capabilities to respond authentically to citizen demands, the state should adopt a balancing role in societal administration rather than

becoming a participant in the political conflicts between elites and political currents. In this scenario, the state can maximize the utilization of society's diverse capacities. It is evident that prioritizing this shift is essential to strengthening government efficiency.

Furthermore, strengthening administrative efficiency, particularly regarding distributive justice and the provision of basic citizen needs, alongside the revision of governance methods or the adoption of new administrative procedures, can effectively facilitate the reconstruction of political trust in contemporary Iran. These measures include empowering mediating actors who maintain ties to both the state and society, enhancing the transparency of governance, bolstering intermediary institutions, fostering communicative rationality, utilizing inclusive public symbols to represent the citizenry in its entirety, regulating elite political competition, ensuring accountability in official commitments, establishing authoritative narratives for national events to mitigate the influence of external media, strengthening internal reform capacities, accelerating elite circulation, and upholding the rule of law, among other initiatives.

Conclusion

Most solutions in this field are functional rather than media-oriented because the hyperreality that has emerged in relation to Iran and its political system derives its driving force from the unfavorable objective realities prevailing in Iranian society. Therefore, it is through the practical clarification and resolution of these realities that the existing situation can be transformed.

Finally, it is suggested that other researchers study other dimensions and aspects of this issue, such as conducting futures studies on the state of political trust in Iran, examining the impact of sociocultural changes on political trust in contemporary Iran, assessing the influence of the country's foreign relations on the level of political trust, and analyzing the impact of conflicts among political elites on political trust in contemporary Iran, among other related areas.

Keywords: Political trust, System theory, Hyperreality, Meta-analysis, efficiency, Equilibrium nature of government, Communicative rationalit



بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز

استادیار علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)، قم،
ایران

مصطفی قربانی *

دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی
دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران

مجتبی پاشایی

چکیده

متأثر از کاهش میزان اعتماد سیاسی به‌عنوان یک واقعیت مشهود در سال‌های اخیر، ایران امروز با معضلات متعددی در حوزه حکمرانی سیاسی مواجه است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که «اعتماد سیاسی در ایران امروز چگونه قابل احیا است؟» فرض بر آن است که بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز، علاوه بر تقویت کارآمدی حکومت در ارائه پاسخ معتبر به خواسته‌های شهروندان، منوط به شالوده‌شکنی و واسازی فضای فرا واقعیتهای است که بر اذهان ایرانیان سیطره یافته است. با تلفیق رویکرد فرهنگی با محوریت فرا واقعیت ژان بودریار و رویکرد نهادی در قالب نظریه سیستمی به‌عنوان چارچوب نظری و همچنین استفاده از روش فرا تحلیل با رویکرد سیاست پژوهانه، این نتایج به‌دست آمده که بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز، علاوه بر تقویت ماهیت تعادلی دولت، حداکثر سازی بهره‌گیری از ظرفیت‌های متکثر جامعه، ترمیم عدالت توزیعی، تسریع در پاسخگویی به تقاضاهای جامعه و تقویت ظرفیت‌های رفورم درونی، در گرو میدان دادن به کنشگران مرزی، رؤیت‌پذیرسازی حکمرانی، تقویت نهادهای واسط، تقویت عقلانیت ارتباطی، استخدام نمادهای عام به‌منظور نمایندگی کردن کل جامعه، ارائه روایت اول از رویدادهای کشور، ضابطه‌مند کردن رقابت نخبگان سیاسی، دقت در وعده دادن از سوی مقامات، تقویت مرجعیت رسانه‌های رسمی و... است.

واژگان کلیدی: اعتماد سیاسی، نظریه سیستمی، فرا واقعیت، فرا تحلیل، کارآمدی، ماهیت تعادلی دولت، عقلانیت ارتباطی

مقدمه

موفقیت نظام‌های سیاسی به‌طور چشمگیری متأثر از میزان اعتمادی است که شهروندان به آن‌ها دارند. با وجود اعتماد سیاسی، پیوند شهروندان با حکومت تقویت شده، مشارکت و همراهی آن‌ها با حکومت بیشتر می‌شود، تأمین نظم، امنیت و ثبات آسان‌تر شده و کارآمدی حکومت افزایش می‌یابد. مبتنی بر این مهم، اعتماد سیاسی از پیش شرط‌های کارآمدی حکومت‌ها تلقی شده (سیدامامی و منتظری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۱) و در نقطه مقابل، از دست رفتن آن سبب دچار شدن دولت‌ها به «حیات نباتی» یا «مرگ مغزی» می‌شود (احسانیان، ۱۳۹۲: ۶).

با وجود اهمیت اعتماد سیاسی، در ایران امروز رخداد پدیده‌هایی چون کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات اخیر، افزایش چشمگیر آرای باطله در صندوق‌های رأی، وقوع و سرایت اعتراضات ادواری و نقطه‌ای به مختصات گسترده‌تر (اعتراض‌های سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۱) و همچنین، افزایش شعارهای ضد هنجار و ساختارشکن طی این اعتراض‌ها، همگی نشانه‌ها و شواهدی هستند که بر ضعف اعتماد سیاسی در ایران امروز دلالت دارند. کما اینکه نتایج تحقیقات و پیمایش‌های متعدد بر این مسئله (کاهش اعتماد سیاسی) تصریح دارد. حال از آنجا که این پدیده بر میزان کارآمدی نظام سیاسی و در سطحی فراتر، بر ماندگاری نظام سیاسی تأثیرگذار است، در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که برای بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز چه باید کرد؟

پیشینه پژوهش

اکثریت قریب به اتفاق آثار موجود در زمینه اعتماد سیاسی در ایران، به‌صورت پیمایشی، اثر مقوله‌هایی همچون رسانه، درآمد اقتصادی، تحصیلات، بروکراسی

و... را بر سطح اعتماد سیاسی مورد سنجش قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. اسدی و رضوی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «اعتماد سیاسی در جامعه چندرسانه‌ای» (با تأکید بر نقش رسانه ملی در اعتماد سیاسی شهروندان جمهوری اسلامی) در تلاش برای پاسخ به این پرسش که در دنیای جدیدی که شهروندان در معرض رسانه‌های متعددی هستند، اعتماد سیاسی چگونه حاصل می‌شود؟ به این نتیجه دست یافته‌اند که اعتماد سیاسی در گرو حفظ مرجعیت شبکه ملی با رعایت ظرافت‌ها و راهبردهای رسانه‌ای اعتمادبخش قابل تحقق است.

۲. ذوالفقاری و جعفری (۱۳۹۷) در مقاله «تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به مثابه سرمایه سیاسی؛ فرا تحلیل پژوهش‌های موجود» با روش فرا تحلیل به این پرسش که چه متغیرهایی بر اعتماد سیاسی اثرگذار است، پاسخ داده‌اند. بنا به نتایج این پژوهش، حکمرانی، عدالت، سرمایه اجتماعی، دین‌داری، رضایت اجتماعی، سرمایه سیاسی، آنومی، تبعیض، امنیت و شبکه‌های اجتماعی بر میزان اعتماد سیاسی تأثیر دارند.

۳. روحانی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «نقش صداوسیما در تقویت اعتماد سیاسی» سعی کرده‌اند به چگونگی تأثیر سازمان صداوسیما بر ارتقای اعتماد سیاسی (مخاطبان) در جامعه بپردازند. بر اساس نتایج این پژوهش، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران باید علاوه بر ارتقای سواد رسانه‌ای و توانمندسازی کارکنان، بر انعکاس مناسب صداها و مختلف در جامعه، استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی و قالب‌های جذاب و متنوع، جدید و امیدآفرین و تبیین آینده‌ای روشن، متمرکز شود.

۴. کهرازهی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «برسی تأثیر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در مشارکت اجتماعی و سیاسی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بر روند اعتماد سیاسی جامعه بلوچستان» درصدد بررسی میزان اعتماد سیاسی در بلوچستان در مواجهه با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت‌های ایران برآمده‌اند. بنا به نتایج این پژوهش، با وجود مشارکت گسترده در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، به دلیل کاهش مشارکت اجتماعی جامعه بلوچ در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، بی‌اعتمادی سیاسی نسبی در این استان قابل مشاهده است.

۵. زاهدی و خانباشی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی» (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)، در پاسخ به سؤال چه نوع رابطه‌ای میان اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی برقرار است، این فرضیه را که میزان اعتماد عمومی به دولت و سازمان‌های عمومی بر سطح اعتماد سیاسی مؤثر است، به اثبات رسانده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، آثار موجود در زمینه اعتماد سیاسی، صرفاً به تأثیر عوامل مختلف بر اعتماد سیاسی در ایران تصریح دارند و هیچ‌کدام به صورت مستقل راهکارهای افزایش یا بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران را مورد بحث قرار نداده‌اند. بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر آن است که با تلقی از کاهش اعتماد سیاسی به عنوان یک از معضلات اساسی حکمرانی در ایران امروز، تلاش می‌کند تا راهکارهای احیای آن را با دیدگاهی نسبتاً جامع مورد واکاوی قرار دهد.

مفهوم‌شناسی اعتماد سیاسی

بیشتر تعریف‌های اعتماد سیاسی به انتظارات هنجاری مردم از دولت اشاره دارد (gershtenson, ladewig & plane 2006). در این صورت، اعتماد سیاسی مبتنی بر مطابقت رفتار دولت با انتظار هنجاری مردم بوده و به میزان حمایت

مردم از نهادهای سیاسی ارتباط دارد. بر این اساس، هرینگتون اعتماد سیاسی را باور شهروندان درباره توانایی و موفقیت حاکمان سیاسی در برآورده کردن انتظارات آنها می‌داند (Hetherington, 1998: 791-808). بنابراین، اعتماد یا بی‌اعتمادی مردم به نهادهای سیاسی تا اندازه زیادی بستگی به برداشت آنها از عملکرد آنها دارد.

ایستون، اعتماد سیاسی را نگرش مثبت نسبت به موضوع‌های سیاسی، رژیم سیاسی و متصدیان اقتدار در جامعه تعریف کرده است (Easton, 1975: 171). در تعریف دیگری، اعتماد سیاسی به جهت‌گیری مؤثر و محاسبه‌شده مردم به دولت بازمی‌گردد (ulbig, 2002: 122).

فوکویاما هم اعتماد سیاسی را درک مشترک یا توافق بر روی ارزش‌های اجتماعی می‌داند (fokuyama, 1995: 357).

در تعریفی کلی‌تر، اعتماد سیاسی به «باور شهروندان به هوشمندی، توانایی، تعهد و هویت فردی یا اخلاقی بازیگران سیاسی» اشاره دارد (طالبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸۷). اعتماد سیاسی از نظر سیرتین به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آنان بازمی‌گردد. نوریس هم درجه شمول اعتماد سیاسی را منحصر به پنج مورد زیر می‌داند:

۱. حمایت از اجتماع سیاسی مثل دولت و کشور (حمایت از کشور هنگام جنگ)
۲. حمایت از قانون اساسی کشور
۳. حمایت از رویه‌های سیاسی مانند دموکراسی
۴. حمایت از نهادهای سیاسی مانند حکومت، پارلمان، قوه قضائیه، پلیس، سیستم بروکراسی، احزاب سیاسی و ...
۵. حمایت از کنشگران و رؤسای سیاسی و اجرایی (bretzer, 2002: 6).

تعریف نوریس از اعتماد سیاسی به دلیل جامعیت و عملیاتی‌تر بودن آن، با برداشت نویسندگان پژوهش حاضر از اعتماد سیاسی تطابق بیشتری دارد. بر این اساس، می‌توان گفت که اعتماد سیاسی بر پذیرش و حمایت شهروندان از هر آنچه متعلق به نظام سیاسی است، اعم از موجودیت کشور، قانون اساسی، رویه‌ها، نهادها، مقامات، سیاست‌ها و... دلالت دارد.

چهارچوب نظری: فرا واقعیت بودریار و نظریه سیستمی

تا دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی پژوهش‌ها درباره اعتماد سیاسی، با غلبه صبغه روان‌شناختی، بر نگرش‌های شخص افراد استوار بود (ublig,2002)، اما با توسعه دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک و الزام پاسخگویی حاکمان به مردم، پژوهشگران به جای جستجوی ریشه‌های اعتماد سیاسی در وضعیت روان‌شناختی افراد، نظام سیاسی و عملکرد مقام‌ها را محور پژوهش‌های خود درباره اعتماد سیاسی قرار دادند. بنابراین، برای تبیین اعتماد سیاسی دو رویکرد فرهنگی و نهادی به وجود آمد.

رویکرد فرهنگی

رویکرد فرهنگی ریشه اعتماد سیاسی را در فرهنگ و ارزش‌های جستجو می‌کند که افراد از طریق جامعه‌پذیری در اوایل زندگی آموخته‌اند (wong.et.al.2009:150-153). طرفداران این رویکرد، ریشه‌های اعتماد سیاسی را خارج از حوزه سیاسی می‌دانند. از این منظر، اعتماد سیاسی معطوف به توانمندی و عملکرد مقامات سیاسی نیست، بلکه طی فرآیند جامعه‌پذیری در دوران کودکی شکل گرفته و بعدها به نهادهای سیاسی تسری می‌یابد (mishler& rose,2001: 30-62).

بر این اساس، انسان‌ها از همان بدو تولد، در معرض رفتارهای دیگران قرار گرفته و می‌آموزند که چگونه باید پاسخ رفتار آن‌ها را بدهند. این «دیگران» در ابتدا پدر، مادر و خانواده هستند و با افزایش سن، شمولیت آن، نهادهایی همچون نظام آموزشی (اعم از مدرسه و دانشگاه)، گروه همسالان، رسانه‌ها و احزاب را در برمی‌گیرد. طی این روند و با انباشت تجربه‌های ناشی از تعامل با دیگران، اعتماد یا بی‌اعتمادی سیاسی نیز به تدریج شکل می‌گیرد؛ بدین ترتیب که اگر والدین یا اطرافیان کودک نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد باشند و یا اینکه فرد در نظام آموزشی با مربیانی مواجه شود که نگرش آن‌ها نسبت به حکومت منفی باشد یا اینکه به عضویت نهادهای سیاسی درآید که مخالف با نظام سیاسی باشند، در ذهن کودک نیز تأثیر می‌گذارد و ممکن است در دوران بلوغ نسبت به نخبگان حاکم بی‌اعتماد شود. بنابراین، رویکرد فرهنگی تفاوت میزان اعتماد سیاسی نزد افراد مختلف و در جوامع مختلف را بر اساس تفاوت در تجربه جامعه‌پذیری آن‌ها می‌داند (سیدامامی و منتظری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

نکته مهم در این میان آن است که کیفیت جامعه‌پذیری در دنیای امروز، به‌طور خاص متأثر از عنصر رسانه و برساخته‌های آن است. با توجه به توسعه رسانه‌ها و شکل‌گیری «جامعه شبکه‌ای» می‌توان گفت که نقش‌آفرینی سایر عوامل جامعه‌پذیری تا حد زیادی کمرنگ شده است. بنا بر همین اهمیت، بودریار؛ فیلسوف پست‌مدرن فرانسوی با خلق و تئوریزه مفهوم «فرا واقعیت»، برای تحلیل نقش رسانه‌ها در جهان کنونی معتقد است که امروزه رسانه‌ها نه بازتاب یا واکنشی از دنیا، بلکه خود دنیا هستند (Baudrillard, 1977: 45). به زعم وی در دوران حاضر، نشانه‌ها و تصاویر برای صورت‌بندی چیزی غیرواقعی (واقعی که وجود ندارد) مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس نشانه در این مرحله چیزی نیست جز

وانموده خود؛ یعنی نشانه‌ها (تصاویر) واقعیت را نمایندگی نمی‌کنند، بلکه جای آن را تصرف کرده و خود تبدیل به واقعیت شده‌اند. او از این نشانه یا تصویر بر جای واقعیت نشسته به «فرا واقعیت» تعبیر می‌کند. بنابراین، از دیدگاه بودریار، رسانه، امروز برای واقعیت احترام قائل نیست، نماینده یا آئینه آن هم نیست؛ بلکه خودش واقعیت را خلق می‌کند (Baudrillard, 1998: 121-125). منظور بودریار از این سخن آن است که رسانه‌ها نه تنها امروزه پیام را منتقل نمی‌کنند؛ بلکه خود، خالق امر واقع شده‌اند. از این منظر رسانه‌ها در دنیای جدید هر آنچه را بخواهند، نه انعکاس؛ بلکه خلق می‌کنند. رسانه می‌تواند با خارج کردن واقعیت‌ها از صحنه، زیست جهان انسانی را به دنیایی از نشانه‌های معلق و خود بنیان (بدون ارتباط و نیاز به واقعیت خارجی) تبدیل کند و در همین چارچوب، نشانه‌ها را بر جای واقعیت‌ها بنشانند. از این رو، انسان‌ها رسانه را کنترل و به برنامه‌های آن جهت نمی‌دهند، بلکه این رسانه است که با کنترل جهان روابط اجتماعی و ایجاد ساختاری کلان و نامحسوس، ذهن انسان‌ها را به تسخیر درآورده و به صورت و محتوای مناسبات اجتماعی جهت می‌دهد. به دلیل همین ویژگی است که رسانه توانایی تولید هر آنچه مطلوب مراکز قدرت است را دارد. در چنین شرایطی رسانه می‌تواند هر پدیده و رویدادی را با هدف‌های از پیش تعیین شده نه انعکاس، بلکه خلق نماید.

از دیدگاه بودریار، در جهان جدید، به موازات افزایش اطلاعات، شاهد کاهش روزافزون معنا هستیم. به این صورت که در عصر حاضر، اطلاعات بازتاب معانی و وقایع بیرونی (امر واقع) نیستند بلکه تخریب‌گر و خنثی‌کننده آن هستند. (Baudrillard, 1994, 73-78) بنابراین، رسانه‌ها می‌توانند در ساختارهای فهم و اندیشه انسانی چنان تأثیری بگذارند که در نتیجه آن دانش، نگرش،

هنجارها، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مخاطبان در اختیار صاحبان رسانه‌ها قرار گیرد و مقوله‌هایی همچون فرهنگ سیاسی، افکار عمومی و اعتماد سیاسی را فارغ از هرگونه واقعیت خارجی یا فاقد هرگونه منشأ واقعی، در راستای خاصی تثبیت و هدایت نمایند. بر این اساس، وضعیت اعتماد سیاسی همچون دیگر مقوله‌های انسانی به طور مستقیم و غیرمستقیم متأثر از کیفیت فرا واقعی است که ذهنیت شهروندان را احاطه کرده است.

رویکرد نهادی

این رویکرد، اعتماد سیاسی را معلول کارآمدی نهادهای حکومتی در برآوردن مطالبات افراد جامعه می‌داند. به تعبیر دیگر، نهادگرایان حمایت از نظام سیاسی را نتیجه ارزیابی شهروندان از عملکرد آن می‌دانند (mishler&rose, 2005). بر این اساس، اعتماد سیاسی به حکومت، تابعی است از همسویی جهت‌گیری‌ها، سیاست‌ها و اقدامات مسئولین با نیازها و مطالبات شهروندان در مقوله‌هایی همچون تأمین امنیت، رفاه و فرصت مشارکت اجتماعی و سیاسی (مرادی و دلاوری، ۱۳۹۸: ۸۷).

یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی که بر اساس آن می‌توان به تحلیل عملکرد نظام‌های سیاسی پرداخت، نظریه سیستمی است. بر اساس این نظریه، با طرح تقاضاها و خواسته‌ها از سوی شهروندان، با تألیف شدن به یک راهکار و شعار اساسی، وارد دستگاه سیاست‌گذاری شده و پس از تدوین به صورت قانون، به اجرا می‌شوند (آلموند، پاول و مونت، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۲). در این میان، نظام سیاسی برای تبدیل تقاضاها و خواسته‌ها به سیاست‌های مطلوب و کارآمد، باید از پنج توانایی برخوردار باشد که عبارت‌اند از:

۱. کارایی استخراجی که ناظر بر کشف منابع مادی و انسانی لازم برای تحقق اهداف نظام است.

۲. کارایی تنظیمی که معطوف به اعمال نظارت کافی و هماهنگ نظام بر افراد و گروه‌ها است.

۳. کارایی توزیع که به تقسیم کارها، خدمات، افتخارات و وضعیت‌های موجود در جامعه اشاره دارد.

۴. کارایی نمادین (سمبولیک) که معطوف به نشر ارزش‌های سمبولیک در جامعه بوده و احراز حداقل حمایت عمومی را در پی دارد.

۵. کارایی پاسخگویی که بیانگر پاسخ نظام به تقاضاهای محیطی است (نقل از بدیع، ۱۳۹۳: ۵۸ و آلموند، پاول و مونت، ۱۳۷۶: ۲۲۶).

با وجود این توانایی‌ها، نظام به کارویژه‌های ورودی و خروجی می‌پردازد. از نظر آلموند و پاول، «عمل تبدیل» خواسته‌ها به تصمیمات سیاسی، «عمل تطبیق» نظام سیاسی با تحولات جامعه و «عمل تطابق» جامعه با نظام سیاسی، نتایج این کارویژه‌ها هستند (Mobus, Kalton, 2015: 222).

در این صورت، نظام سیاسی توانسته است ورودی‌ها (تقاضاها، حمایت‌ها یا اعتراض‌ها) را به خروجی‌هایی تبدیل کند که آثار آن‌ها به صورت کالاهای سیاسی شامل؛ رفاه، امنیت، آزادی و عدالت برای شهروندان ارائه می‌شود (Almond, Powell, 1966: 422-399). از این نگاه، اعتماد سیاسی زمانی محقق می‌شود که یک نظام با اتکا به توانایی‌های پنج‌گانه، بتواند عمل‌های سه‌گانه مذکور را انجام دهد.

با تلفیق بحث‌های ارائه‌شده در بالا، می‌توان الگوی نظری پژوهش حاضر را بدین صورت تشریح کرد: با توجه به میزان کارآمدی حکومت‌ها، سیطره فرا

واقعیت و کیفیت آن، اعتماد سیاسی دچار انقباض و انبساط می‌شود؛ بدین ترتیب که توانمندی حکومت‌ها در ارائه خروجی‌های کارآمد و مورد انتظار شهروندان سبب می‌شود که ایستارهای سیاسی شهروندان نسبت به حکومت و مقامات، مثبت شود. در این شرایط، اگر فرا واقعیت مقوم اعتماد سیاسی باشد، اثر آن بر اعتماد سیاسی تقویت می‌شود و در غیر این صورت، اثر فرا واقعیت بر ارزیابی شهروندان از عملکرد حکومت و در نتیجه میزان اعتماد سیاسی، کاهش یافته و تعدیل می‌شود.

در تطبیق این الگو با وضعیت کنونی جامعه ایران باید گفت که تضعیف اعتماد سیاسی در ایران امروز، علاوه بر اینکه ریشه در ضعف کارایی‌های استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی نظام سیاسی و به تبع این‌ها، تضعیف کارآمدی حکومت دارد، نتیجه عملیات رسانه‌ای و شکل‌گیری فرا واقعیت نامطلوبی است که به‌ویژه به دلیل جنگ شناختی بر اذهان شهروندان در ایران سایه افکنده است. بنابراین، بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز، علاوه بر تقویت توانایی‌های پنج‌گانه نظام سیاسی و کارآمدی آن، منوط به شالوده‌شکنی و واسازی این فرا واقعیت است.

روش پژوهش: فرا تحلیل به‌منظور سیاست پژوهی

برای اثبات کاهش اعتماد سیاسی در ایران امروز از روش فرا تحلیل کیفی، جهت ارائه راهکار از رویکرد سیاست پژوهی استفاده شده است.

فرا تحلیل (Meta-Analysis) روشی است که هدف از آن ارائه تصویری جامع از پژوهش‌های است که به موضوع ویژه‌ای پرداخته‌اند (جواد و ملکی، ۱۳۹۹: ۱۴۵). بنابراین، آنچه فرا تحلیل بر آن تکیه دارد عبارت است از

یکپارچه‌سازی مطالعات منفرد و پراکنده جهت استفاده علمی و کاربردی از نتایج آن (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹: ۶۸).

سیاست پژوهی نیز به معنای تلاش برای بهبود خط‌مشی عمومی است (قلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). سیاست پژوهی نوع خاصی از تحقیق درباره مسائل بنیادین جامعه است که ضمن شناسایی یک مسئله اجتماعی، راه‌های حل آن مسئله را در قالب توصیه‌های معقول و منطقی در اختیار سیاست‌گذاران و مسئولین قرار می‌دهد (پرچی و درخشان، ۱۴۰۱: ۴۰).

برای استخراج گزاره‌ها و محورها در سند پژوهی و مرور نظام‌یافته، از معیار سه‌گانه اسجوستورم و دالگرین^۱ (۲۰۰۲) که شامل بسامد^۲، ربط مفهومی^۳، و بار معنایی^۴ است، استفاده شد. همچنین برای اعتباربخشی به داده‌ها از راهبرد کنترل عضو^۵ اسونسون^۶ (۱۹۹۷) استفاده شد که بر اساس آن با انتخاب دو نفر از متخصصان نخبه، به صورت نمونه‌گیری غیر تصادفی هدف‌دار^۷، محورهای کشف‌شده و اولویت‌بندی آن‌ها به صورت تطبیقی، مورد تأیید یا اصلاح این گروه نخبگانی قرار گرفتند.

همچنین با کاربست روش فرا تحلیل در موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴) و همچنین در مجموعه‌ای از پژوهش‌های انجام شده درباره اعتماد سیاسی طی ده سال اخیر، یافته‌ها حاکی از آن است که اعتماد سیاسی در ایران امروز کاهش یافته است. خلاصه‌ای از یافته‌های مذکور در جداول زیر آمده است:

1 Sjostorm & Dahlgreen

2 Frequency

3 Conceptual relevance

4 Pregnancy

5 Member-Checking

6 Svenson

7 Non-Random Purposive Sampling

جدول شماره ۱. یافته‌های موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان
(۱۳۹۴)

پنداشت/نگرش / اعتماد	گویه	کاملاً مخالف	معتدل	نسبتاً موافق / نسبتاً مخالف	کاملاً موافق
پنداشت از عدالت اجتماعی	در اوضاع فعلی، هرکس پول و پارتی نداشته باشد، حقش پایمال می‌شود.	۱.۸	۷.۳	۲۱.۴	۴۲.۴
	افراد عادی هر قدر هم تجربه و تخصص داشته باشند به مقامات بالا نمی‌رسند.	۶۰.۷	۲۵.۸	۲۷.۸	۲۹.۹
پنداشت از عدالت اقتصادی	بی‌شتر ثروتمندان ایران از طرق غیرقانونی یا رانت و پارتی به این ثروت دست یافته‌اند.	۲.۳	۱۴.۳	۳۵.۸	۳۴.۵
پنداشت از عدالت سیاسی	حکومت به همه مردم به یک چشم نگاه می‌کند؟	۱۱.۱	۲۹.۳	۳۰.۹	۲۵.۱
پنداشت از عدالت قضایی	اگر حقی از کسی ضایع شود تا چه اندازه می‌تواند از طرق قانونی به حق خود برسد؟	خیلی کم	کم	تا حدودی	زیاد
		۱۰.۸	۱۴.۸	۴۶.۲	۲۴
					۳.۳

ادامه جدول شماره ۱.

پنداشت/نگرش/ اعتماد	گویه	کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق
پنداشت از عدالت قضایی	قانون در مورد مردم و مسئولان یکسان اجرا می‌شود	کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق
		۱۳۰.۵	۲۶.۵	۳۵.۲	۲۰.۲	۳.۶
پنداشت از عدالت قومی	حکومت بین قومیت‌های مختلف تبعیض و فرق قائل نمی‌شود.	۸.۲	۲۱.۳	۳۴.۳	۳۱.۱	۴.۲
اعتماد به رسانه‌ها	اخبار هرکدام از منابع خبری زیر به نظر شما چقدر قابل اعتماد است؟	۵.۶	۱۱.۵	۲۸.۱	۴۳.۷	۱۱.۱
		۷.۷	۱۸.۲	۳۷.۱	۳۱	۵.۹
		۳۰.۵	۳۳.۴	۲۴.۹	۹.۱	۲.۲
		۲۷.۹	۳۱.۸	۲۸.۳	۹.۷	۲.۳

ادامه جدول شماره ۱.

گروه						پنداشت/نگرش/ اعتماد
کاملاً موافق	موافق	نه موافق نه مخالف	مخالف	کاملاً مخالف		
۸.۶	۳۸.۳	۳۳.۶	۱۳.۶	۶	مجلس شورای اسلامی	اعتماد به نهادهای حکومتی
۹.۶	۳۸.۹	۳۲.۷	۱۳.۲	۵.۶	مجمع تشخیص مصلحت نظام	
۱۰	۳۹.۱	۳۲	۱۳.۳	۵.۷	شورای نگهبان	
۱۰.۸	۳۷.۹	۳۱.۴	۱۳.۷	۶.۲	قوه قضائیه	
۱۱.۸	۳۸.۱	۳۱.۶	۱۳.۵	۵.۱	دولت	
۶.۷	۳۰.۳	۳۴.۹	۱۸.۳	۹.۸	شهرداری	

جدول شماره ۲. مقالات علمی پژوهشی

منابع	عنوان	نتایج	نویسندگان
مقالات علمی پژوهشی	فرازو فرود اعتماد در ایران طی نیم قرن اخیر: نگاهی به روندها، علل و پیامدها	روند نزولی اعتماد عمومی، اعتماد سیاسی و اعتماد نهادی و مواجهه ایران با یک بحران اعتماد فراگیر	کاظمی و گودرزی (۱۴۰۱)
	سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله امید	کاهش سرمایه اجتماعی و ارزیابی امیدوارانه ایرانیان از آینده	امیدی (۱۴۰۰)
	بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آیند رفتار انتخابات شهروندان	تأثیر ناامیدی، بی‌اعتمادی به آینده، برطرف نشدن مشکلات اقتصادی مردم بر انتخابات ۱۴۰۰	شفیعی سیف‌آبادی (۱۴۰۰)
	بررسی تأثیر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در مشارکت اجتماعی و سیاسی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بر روند اعتماد سیاسی جامعه بلوچستان	بی‌اعتمادی نسبی شهروندان بلوچستان به سیاست‌های حکومتی	کهرازی و همکاران (۱۳۹۹)
	نقش سرمایه اجتماعی در پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران	کاهش اعتماد به رجال، شخصیت‌ها و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در طی ۴ دهه گذشته	عیسی‌نیا (۱۳۹۷)
	بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار	نمره اعتماد سیاسی در بین معلمین از نمره ۱۱۰ (نمره کل) = ۵۳	کوشکی (۱۳۹۶)

منابع	عنوان	نتایج	نویسندگان
مجله علمی و پژوهشی	بررسی جامعه‌شناسانه اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان در ایران (با تأکید بر دانشجویان)	کاهش اعتماد در ابعاد اجتماعی و سیاسی در بین مردم به‌ویژه دانشجویان	اعتمادی‌فر (۱۳۹۲)
	تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایش در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)	۱۷ درصد اعتماد سیاسی بالا، ۵۶/۳ درصد اعتماد سیاسی متوسط، ۲۶/۷ درصد سیاسی پایین	جهانگیری و ابوترابی (۱۳۹۱)
	بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان: مطالعه دانشگاه امیرکبیر	زنگ خطر اعتماد سیاسی پایین در بین دانشجویان و افراد تحصیل کرده	سرایي و صفیری (۱۳۸۸)
	عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف	میانگین کلی اعتماد به نظام سیاسی، کنشگران سیاسی و نهادهای سیاسی در بین دانشجویان: ۳۷ درصد	طالبی و همکاران (۱۳۸۷)
	کسری اعتماد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم‌سالاری دینی	تأثیر مثبت عوامل فرهنگی، نهادی و فردی در فرآیند کسری اعتماد سیاسی	هرسیج (۱۳۸۳)

راهکارهای بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز

با توجه به الگوی تحلیلی ارائه‌شده در بالا، اساس راهکارهای بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز، معطوف به دو حوزه کارآمدی نظام و چگونگی مواجهه با فراواقعیت قرار گرفت. بر این اساس، با بهره‌گیری از روش اعتباربخشی در قسمت روش‌شناسی، یافته‌های زیر به ترتیب اولویت به‌عنوان راهکارهای

بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز ارزیابی شد:

تقویت ماهیت تعادلی دولت

ابزار گونگی، استقلال نسبی و تعادل بخشی به طور کلی سه نسبت یا رابطه متصور میان دولت و جامعه است. در حالت اول، دولت به ابزار سلطه بخشی از جامعه بر بخش‌های دیگر تبدیل می‌شود. در حالت دوم، دولت با وجود تأثیرپذیری از وضعیت طبقات و گروه‌های اجتماعی، اما در برابر آن‌ها از نوعی استقلال نسبی برخوردار است و در حالت سوم، دولت در جایگاه حل منازعه و نمایندگی کردن تمامی گروه‌ها و طبقات اجتماعی قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۹۱: ۵۱-۴۴). مسلم است که در این میان، بیش از همه، شق سوم است که قادر به خلق سرمایه اجتماعی و اعتماد برای نظام سیاسی است.

در تشریح نسبت جامعه و دولت (نظام سیاسی) در ایران باید گفت که شکل‌گیری دولت تعادل بخش در ایران با وجود یک تله‌ی اساسی، تاکنون دشوار بوده است؛ این تله همانا ساخت شکاف‌های اجتماعی در ایران است؛ بدین ترتیب که با توجه به اینکه جامعه ایران از نظر گاه شکاف‌های اجتماعی، یک جامعه «نک شکافی فعال» است که یک سمت این شکاف را لایه سنتی جامعه و به تبع آن، نخبگان و نیروهای سیاسی سنتی شکل می‌دهند و سمت دیگر آن را لایه متمایل به شیوه‌ها و ارزش‌های مدرن و به تبع آن، نخبگان و نیروهای سیاسی متمایل به مدرنیسم شکل می‌دهند، بنابراین، در ایران دو نوع تفکر شکل گرفته است. با توجه به این زمینه اجتماعی و آرایش شکل گرفته نخبگان سیاسی بر مبنای آن، هر دولتی که روی کار بیاید، به جای نمایندگی کردن کل جامعه ایران، می‌کوشد تا در سیاست‌گذاری و اقدام، بیشتر به یک لایه یا طیف جامعه در مقایسه با طیف مقابل آن، توجه کند. بر این اساس، دولت همواره با چالش کارکرد تعادل بخشی

به جامعه و نمایندگی کردن کل جامعه ایران مواجه است.

شرط رهایی از این وضعیت آن است که دولت‌ها خود را در مقامی ورای منازعات سیاسی و جریانی تعریف کنند. این امر نه تنها مانع از تبدیل شدن دولت به کانون منازعه یا تعریف شدن به عنوان یک طرف منازعه میان نخبگان و جریان‌های سیاسی می‌شود؛ بلکه با ایجاد نوعی اطمینان و عدم خاطر نزد نیروهای اجتماعی و نخبگان سیاسی مبنی بر عدم طرد کامل آن‌ها، آرامش و ثباتی را در فضای سیاسی کشور حاکم می‌کند. به بیان دیگر، دولت باید بتواند چتر حاکمیت خود را بر فراز تنوعات سیاسی و اجتماعی و به منظور ایجاد توازن میان این تنوعات و در نهایت، مدیریت آن‌ها بگسترد. بنابراین، دولت باید از موضع توازن بخشی سیاسی-اجتماعی و به عنوان دستگاه حاکم که قرار است از همه ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور استفاده کند، ظاهر شود نه آنکه خود به یک سر منازعه در کشور تبدیل شود.

حداکثر سازی بهره‌گیری از ظرفیت‌های متکثر جامعه

به منظور تثبیت جایگاه تعادل و توازن بخشی دولت در ایران، بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع و متکثر نهفته در جامعه ایران برای اداره بهینه کشور باید به صورت حداکثری مورد توجه قرار گیرد. درواقع، حاکمیت باید از موضع تلاش برای اداره بهینه جامعه، در بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های جامعه با وجود تنوعات قومی، مذهبی، زبانی، سیاسی و... دقت لازم را داشته باشد.

ترمیم عدالت توزیعی

واقعیت آن است که جامعه ایران به لحاظ درک از برابری، به دلیل مشکلات اقتصادی، وقوع فسادهای بزرگ در سال‌های اخیر و... در کنار تمرکز جنگ

شناختی دشمنان بر این حوزه، دچار تشویش جدی است. به عبارت دقیق‌تر، اگرچه نمی‌توان منکر وجود نابرابری در ایران امروز بود، اما تشویش ذهنیت عامه در این زمینه بیشتر به دلیل «شکاف ادراکی» است. به هر حال، با ترمیم عدالت توزیعی، از طرفی چون مبارزه با امتیازات غیر استحقاقی، فراهم کردن بسترهای آموزش همگانی رایگان و باکیفیت، لویاتان مالیاتی با توسعه و هوشمند سازی نظام مالیاتی، محدودسازی اثرگذاری بورژوازی دلال در حوزه‌هایی چون مسکن، خودرو و... می‌توان تا حدودی بر این شکاف فائق آمد. مسلم است که افزایش شکاف ادراکی منجر به بی‌اعتمادی و کاهش آن منجر به ترمیم اعتماد سیاسی می‌شود.

تسریع در پاسخگویی به تقاضاهای جامعه

بنا به دلایلی چون رشد جمعیت، تغییر رو به رشد نظام نیازهای جامعه، رشد طبقه متوسط شهری، شکل‌گیری نیازها و مطالبات نوین در جامعه ایران بنا به دلایل پیش‌گفته و همچنین، تأثیرپذیری از تحولات جهانی و...، امروزه جامعه ایران با تحولات سریعی مواجه است که به تبع این، تقاضاها و مطالبات فزاینده‌ای ایجاد شده است. در این شرایط، نظام سیاسی با تسریع در ارائه «پاسخ معتبر» به این تقاضاها و مطالبات، می‌تواند درجه اعتبار خود را نزد شهروندان بالا ببرد. در این شرایط، اعتماد شهروندان به مقامات و نظام سیاسی تقویت می‌شود.

تقویت ظرفیت‌های رفورم درونی

علاوه بر تسریع در پاسخگویی به تقاضاهای جامعه، از آنجا که به مقتضای شرایط هر جامعه و نظام سیاسی، اگرچه بروز آسیب‌ها و نقص‌هایی در اداره جامعه طبیعی به نظر می‌رسد، اما در مواجهه با این آسیب‌ها و نقص‌ها، باید تلاش شود تا

ظرفیت‌های رفورم درونی تقویت شود. به بیان دیگر، طبق نظریه سیستمی اگر در فرایند تبدیل تقاضاها به سیاست‌ها، با دقت عمل نشود یا خروجی‌های نظام، کارآمدی موردنظر شهروندان را ایجاد نکند، اعتراضات به صورت مجدد به عنوان ورودی وارد سیستم می‌شود. در این شرایط، باید با تقویت ظرفیت‌های رفورم درونی، نه تنها تلاش شود تا ضعف‌های کارآمدی از سوی خود نظام سیاسی تشخیص داده شود، بلکه در مقابل این ضعف‌ها باید انعطاف لازم و قدرت سازواری به گونه‌ای باشد که آن‌ها را به عنوان مطالبه نوین، که مستلزم ارائه پاسخ معتبر است، بپذیرد نه آنکه به عنوان خواسته نامطلوب نادیده و طرد شوند. ارج نهادن به انتقاد و منتقدین یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تقویت این مهم است. منظور اساسی در اینجا آن است که شهروندان باید به این باور برسند که نظام سیاسی هم از ظرفیت و هم از قدرت کافی برای ارائه پاسخ معتبر به خواسته‌های آنان برخوردار است. در این صورت، آن‌ها پاسخ به مطالبات خود را در داخل کشور و از شیوه‌های قانونی پی می‌جویند نه از شیوه‌های دیگری.

تسریع در گردش نخبگان

پوست‌اندازی مدیریتی و اجرایی در کشور به نفع جوانان، ضمن آنکه نمایانگر تلاش حاکمیت برای تقویت ظرفیت‌های رفورم درونی است، می‌تواند در تقویت کارآمدی نظام و بنابراین، در تقویت امید و اعتماد در میان جامعه اثر جدی داشته باشد. این موضوع به‌ویژه بدان سبب اهمیت دارد که هم سهم جوانان متخصص و بامهارت در هرم سنی جمعیت کشور، قابل توجه است و هم تقویت کارآمدی و ارائه پاسخ معتبر به مطالبات جامعه، مطالبه‌ای فراگیر است.

استخدام نمادهای عام به‌منظور نمایندگی کردن کل جامعه

به دلیل دولایه بودن هویت مردم ایران؛ یعنی اسلامی و ایرانی بودن و از سویی، تمایل نسبت به برخی ارزش‌ها و شیوه‌های مدرن و جهانی‌شده، به طور طبیعی، حاکمیت در نشر ارزش‌های سمبولیک نمی‌تواند یکی از این لایه‌ها را به ضرر لایه دیگر، تضعیف کند. بنابراین، در تلاش برای نشر ارزش‌های سمبولیک باید تلاش شود تا میزان شمولیت و دربرگیری آن‌ها به گونه‌ای باشد که کل جامعه ایران را نمایندگی کند. استخدام و ترویج نمادهایی که یکی از این لایه‌های هویتی را نادیده می‌گیرد، سبب تضعیف ارتباط لایه‌ها یا بخش‌هایی از جامعه با حاکمیت می‌شود. بنابراین، در استخدام نمادها به‌ویژه در حوزه رسانه و امور فرهنگی-هنری باید تلاش شود تا این عام‌بودگی و شمولیت نمادها مورد توجه قرار گیرد.

رؤیت‌پذیرسازی حکمرانی

این مهم که به نوعی همان «تقویت شفافیت» است؛ بدین معناست که تصمیم‌ها و اقدام‌های دولت‌ها و مقام‌ها در اتاق‌های شیشه‌ای اتخاذ شود؛ یعنی ضمن امکان آگاهی عمومی از تصمیم‌ها و اقدامات مقامات فراهم باشد و هم امکان اعتراض و نظارت بر عملکرد آن‌ها از سوی شهروندان فراهم باشد. می‌توان گفت که به میزان تن دادن دستگاه‌های رسمی به این مهم، اعتماد شهروندان به صلاحیت و درستی مقام‌ها و تصمیم‌هایشان تقویت می‌شود. این موضوع به‌ویژه از آن روی اهمیت دارد که گاهی است در راستای تزلزل سیطره فراواقعیت شکل‌گرفته در فضای عمومی و سیاسی کشور است؛ زیرا رسانه‌های معاند با وارونه‌نمایی‌هایی که از اقدامات دستگاه‌های اجرایی انجام می‌دهند، این فراواقعیت را شکل داده‌اند.

تقویت نهادهای واسط

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های نهادهای واسط و به تعبیر دقیق‌تر، تشکل‌های جامعه مدنی، تسهیل و قاعده‌مند نمودن ارتباط حاکمان با شهروندان است. درواقع، ایدئولوژی، سیاست‌ها، رفتارها و... نظام حاکم از طریق این نهادها در جامعه منتشر می‌شود. به عبارتی، این تشکل‌ها، با تبیین و توجیه منطق اقدامات و سیاست‌های نظام حاکم، سبب ایجاد شناخت لازم از اقدامات و سیاست‌های نظام حاکم شده و بنابراین، به مشروعیت آن‌ها کمک می‌کنند و از این طریق، سبب تقویت اعتماد سیاسی می‌شوند.

با وجود این، در ایران امروز، تشکل‌های جامعه مدنی در انجام این‌گونه کارویژه‌ای با آسیب‌ها و نقص‌هایی مواجه هستند؛ برخی از این آسیب‌ها به ماهیت و دیدگاه‌های برخی از این تشکل‌ها و برخی دیگر به نوع نگاه حاکمیت به آن‌ها برمی‌گردد. در هر صورت، در ایران امروز، تقویت اعتماد سیاسی ایجاب می‌کند که این نهادها هم تقویت شده و هم سمت‌وسوی کنشگری آن‌ها بیشتر معطوف به تقویت اعتماد سیاسی باشد؛ بدین صورت که این تشکل‌ها به جای آنکه ضد قدرتی در برابر قدرت دولتی باشند، باید ادامه قدرت دولت در حوزه عمومی و بسط دهنده هژمونی آن باشند.

میدان دادن به کنشگران مرزی

بنا به دیدگاه برخی کنشگران، ایران از کمبود «کنشگران مرزی» رنج می‌برد (ر.ک: فراستخواه، ۱۴۰۱: ۵۵)؛ یعنی شخصیت‌هایی که ضمن بودن در قدرت، با جامعه نیز ارتباط دارند و می‌توانند کارویژه تسهیل ارتباط حکومت (حاکمیت) با شهروندان را انجام دهند. همین امر سبب شده که برخی

مقامات و شهروندان از همدیگر «تصوراتی قالبی» داشته باشند. مسلم است که در این شرایط، شکل‌گیری اعتماد سیاسی با موانع جدی روبرو است. بنابراین، به‌منظور تقویت اعتماد سیاسی باید به شخصیت‌هایی که ماهیت کنشگری آن‌ها به حالت مرزی نزدیک است، میدان داده شود. شایان‌ذکر است که می‌توان مدعی شد که امروزه نخبگان در ایران به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند؛ نخبگانی با کارکرد اپوزیسیونی یا شبه‌اپوزیسیونی و در نقطه مقابل، نخبگانی متصل به حوزه‌های رسمی و کم ارتباط یا بی‌ارتباط با جامعه. نمی‌توان انتظار داشت که نخبگان پیوسته سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها را تأیید کنند. استقبال و میدان دادن به نخبگانی که سخنگویان مطالبات به حق و بر زمین‌مانده مردم به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط با معیشت، عدالت، برخی آزادی‌ها و... می‌باشند، می‌تواند تا حدودی این نقیصه را جبران کند.

روی آوردن به عقلانیت ارتباطی

بازآفرینی اعتماد میان شهروندان و نظام سیاسی در ایران امروز، علاوه بر تقویت کارآمدی نظام سیاسی در پاسخ به خواسته‌ها و مطالبات شهروندان، مستلزم تقویت ارتباط و شکل‌گیری گفتگوی عقلانی و مفاهمه میان آن‌ها نیز است (Habermas:1984). بنابراین، در کنار تلاش برای تقویت کارآمدی نظام سیاسی، مجاری گفتگو و ارتباط عاری از سلطه و یک‌جانبه‌گرایی میان شهروندان با مقامات باید تقویت شود. هدف در اینجا آن است که با شکل‌گیری یک فضای بین‌الذهانی مشترک، هم درک مشترکی میان مقامات و شهروندان شکل بگیرد و هم شهروندان در فرایند بیان، تجمیع و تألیف منافع و تبدیل آن‌ها به سیاست‌ها بیش از پیش دخیل شوند.

ارائه روایت اول از رویدادهای کشور

به منظور واسازی و شالوده شکنی از فرا واقعیتی که در ارتباط با علایق سیاسی واحدهای سیاسی متخاصم در ایران شکل گرفته است، باید تلاش شود تا روایت اول از رویدادهای مختلف کشور از سوی رسانه‌های داخلی ارائه شود تا شهروندان با وقوع هر اتفاقی، درصدد دستیابی به حقیقت از کانال رسانه‌های بیگانه نباشند. اهمیت این موضوع بدان سبب است که صرف «قابلیت دسترسی» می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در پذیرش یک روایت داشته باشد (نقل از حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۸). به تعبیر دقیق‌تر، در شرایطی که شهروندان به‌ویژه در بزنگاه‌ها درصدد آگاهی از حقیقت رویدادهای جاری کشور هستند، صرف اطلاع‌رسانی سریع از حقیقت این رویدادها در خنثی‌سازی روایت‌پردازی‌هایی که در قالب فرا واقعیت جلوه‌گر می‌شود، تأثیر جدی دارد؛ زیرا اگرچه روایت‌ها باید از «قابلیت اعتبار» هم برخوردار باشند تا مورد پذیرش عامه قرار گیرند، اما در شرایط بی‌قراری‌های اجتماعی، ارائه شدن در زمینه‌ای که دیگران هنوز نتوانسته‌اند روایت خود از رویدادهای جاری را ارائه کنند، می‌تواند در باورپذیر سازی و افزایش جذابیت‌های روایت اول تأثیرگذار باشد.

حاکمیت قانون

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین شیوه‌های بازآفرینی اعتماد در ایران، تثبیت حاکمیت قانون در حوزه‌های مختلف است. اقداماتی چون استثنا قائل شدن در اجرای قانون، اجرا نکردن تام و تمام قانون، رواج حرکتهای غیرقانونی و خودسر در برخی حوزه‌ها و...، کارکرد اعتمادآفرینی قانون را تضعیف کرده است؛ زیرا اگر در اداره کشور، نتوان از مرز قانون تخطی کرد و استثناء یا تبعیضی

در برخورد قانون با افراد مختلف وجود نداشته باشد، آحاد جامعه به این اطمینان می‌رسند که با توسل به قوانین و رویه‌های موجود، سره از ناسره تشخیص داده شده و هر کس متناسب با استحقاق خود از امکانات عمومی بهره‌مند می‌شود. علاوه بر این، با وجود حاکمیت قانون، امکان پیش‌بینی پذیری نزد شهروندان تقویت می‌شود و در نبود یا ضعف قانون، افق مبهمی پیش‌روی شهروندان وجود دارد.

ضابطه‌مند کردن رقابت نخبگان سیاسی

یکی از رویه‌های نامطلوب در بین برخی مقامات و نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران، اتخاذ مواضع ساختارشکن و شبه‌اپوزیسیونی به‌ویژه در بزنگاه‌های انتخاباتی با تمرکز بر برخی سیاست‌ها و ساختارهای نظام است. با توجه به وضعیت جناحی حاکم میان نخبگان سیاسی، آن‌ها در رقابت با همدیگر، با عبور از خطوط قرمز مرسوم در همه نظام‌های سیاسی، در عمل شأنیت برخی نهادها و سیاست‌های نظام را مورد سؤال قرار می‌دهند. به عبارت دقیق‌تر، برخی نخبگان به جای رقابت با نخبگان رقیب، نظام حاکم را رقیب خود می‌پندارند و به جای اتخاذ مواضع چارچوب‌مند، مواضع جنبش‌وار اتخاذ می‌کنند. متأثر از این قضیه، میزان حمایت و اعتماد از برخی سیاست‌ها و ساختارهای نظام نزد بخش‌هایی از شهروندان، دچار افت شده است. این در حالی است که اقتضای رقابت سیاسی، حفظ ظرف موجود؛ یعنی نظام حاکم و ساختارهای آن است. با وجود این، ضمن تلاش برای به رسمیت شناختن و احترام به تکثر سیاسی، اما حاکمیت قاعده‌مندی و دقت در حفظ ظرف موجود از سوی نخبگان سیاسی باید به یک اصل تخطی‌ناپذیر تبدیل شود.

دقت در وعده دهی از سوی مقامات

ایران امروز با مسائل متعدد داخلی و خارجی مواجه است. ضمن آنکه مقامات باید برای مدیریت این وضعیت عزم خود را جزم نمایند، اما نباید با وعده‌های منقطع از واقعیت‌های داخلی و خارجی به مصاف این مسائل بروند؛ زیرا وعده‌های غیرعملی اعتماد زدا هستند. شعارها و وعده‌هایی همچون حل مشکلات اقتصادی در بازه‌های کوتاه‌مدت از این وعده‌ها است که ضمن ایجاد شکاف بین وعده‌ها و توقعات ایجاد شده در شهروندان، زمینه را برای اقدامات پوپولیستی و غیر کارشناسی فراهم می‌کند.

حفظ مرجعیت رسانه‌های رسمی

در ایران امروز انحصار رسانه‌ای دهه‌های گذشته به تبع سایر جوامع شکسته شده است و با وجود اعمال محدودیت‌های قانونی و موانع نرم‌افزاری، نظام سیاسی نتوانسته نفوذ رسانه‌های غیررسمی و غیرقانونی را کاهش دهد. لذا لزوم حفظ مرجعیت رسانه‌های رسمی از طریق رعایت اصولی همچون ارتقای درجه شفافیت خبرها، تطبیق برنامه‌ها با نیاز مخاطب، سرعت عمل در انتقال اخبار و تقویت جذابیت ارائه خبر، پرهیز از ابهام، تحریف و مبالغه در ارائه اخبار، موثق بودن منبع آن‌ها، رعایت اصل بی‌طرفی، تعدیل سانسور، پرهیز از منفی‌بافی و گزارش‌های قالبی و... (احسانیان، ۱۳۹۲: ۱۸ و گرانمایه‌پور، نوروزپور، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۷۷) باید از سوی مقامات ارشد سیاسی و رسانه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

اعتماد سیاسی در ایران امروز متغیری است که میزان آن وابسته به کارآمدی نظام سیاسی در ارائه پاسخ معتبر به خواسته‌ها و مطالبات شهروندان و همچنین،

ترجیحات و ادراکات ذهنی آن‌ها است. مورد اخیر به‌ویژه متأثر از فرا واقعیتی است که به واسطه وانموده‌های رسانه‌ای شکل گرفته است. در ایران امروز به سبب ضعف در هر دو حوزه مذکور، اعتماد سیاسی اعتماد سیاسی رو به افول است. مبتنی بر این وضعیت، برای بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز، جهت تقویت توانایی‌های پنج‌گانه نظام سیاسی به‌منظور پاسخگویی معتبر به خواسته‌های شهروندان، باید دولت در اداره جامعه ماهیت تعادل‌بخش برای خود تعریف کند نه آنکه به بخشی از منازعه سیاسی میان نخبگان و جریان‌های سیاسی تبدیل شود. در این صورت، دولت می‌تواند از ظرفیت‌های متکثر جامعه به صورت حداکثری بهره‌برداری کند.

علاوه بر این، تقویت کارآمدی به‌ویژه در حوزه عدالت توزیعی و مرتبط با نیازهای اساسی شهروندان، در کنار بازنگری در برخی شیوه‌های حکمرانی یا روی آوردن به برخی رویه‌های نوین در اداره کشور مانند میدان دادن به کنشگران مرزی، رؤیت‌پذیرسازی حکمرانی، تقویت نهادهای واسطه، تقویت عقلانیت ارتباطی، استخدام نمادهای عام به‌منظور نمایندگی کردن کل جامعه، ضابطه‌مند کردن رقابت نخبگان سیاسی، دقت در وعده دادن از سوی مقامات، ارائه روایت اول از رویدادهای کشور و تقویت مرجعیت رسانه‌های رسمی، به‌منظور گرفتن ابزار رسانه از دست بیگانگان، و... می‌تواند در بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز مؤثر باشد.

نکته مهم در این میان آن است که عمده راهکارها در این زمینه، بیش از آنکه ماهیت رسانه‌ای داشته باشد، ماهیت عملکردی دارد؛ زیرا فرا واقعیتی که امروز در ارتباط با ایران و نظام سیاسی حاکم بر آن شکل گرفته است، نیروی محرکه خود را از واقعیت‌های عینی نامطلوب موجود در جامعه ایران می‌یابد. بنابراین، با

گره‌گشایی‌های عملی و رفع واقعیت‌های مذکور است که فرا واقعیت موجود واژگونه می‌شود.

در آخر پیشنهاد می‌شود که سایر پژوهشگران ابعاد و زوایای دیگر این موضوع از قبیل آینده‌پژوهی وضعیت اعتماد سیاسی در ایران، تأثیر تغییرات فرهنگی اجتماعی بر وضعیت اعتماد سیاسی در ایران امروز، تأثیر وضعیت روابط خارجی کشور بر میزان اعتماد سیاسی و همچنین تأثیر منازعات نخبگان سیاسی بر میزان اعتماد سیاسی در ایران امروز و... را مورد واکاوی قرار دهند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mostafa Ghorbani  <https://orcid.org/0000-0002-0503-2496>

Mojtaba Pashaei  <https://orcid.org/0009-0003-9053-2958>

منابع

احسانیان عربی، مجید (۱۳۹۲)، کارکردهای رسانه ملی با تأملی بر نقش آن در حوزه اعتماد سیاسی، *ره‌آورد سیاسی*، شماره ۴۱ و ۴۲، صص ۷-۲۴.

اسدی، عباس، رضوی، سید مهدی (۱۳۹۴)، اعتماد سیاسی در جامعه چندرسانه‌ای (با تأکید بر نقش رسانه ملی در اعتماد سیاسی شهروندان جمهوری اسلامی ایران)، *پژوهش‌های انقلاب/اسلامی* (۱۴)، صص ۱۳۹-۱۵۶.

اعتمادی فرد، سید مهدی (۱۳۹۲)، بررسی جامعه‌شناسانه اعتماد سیاسی-اجتماعی دانشجویان در ایران (با تأکید بر تحلیل ثانویه چند پیمایش ملی)، *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۳، صص ۵۴-۲۷.

آلموند، گابریل، پاول، بینگهام، مونت، رابرت (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
امیدی، رضا (۱۴۰۰)، سیاست‌گذاری اجتماعی و مسئله امید: مطالعه ارزیابی جامعه از آینده در پیمایش‌های ملی دهه ۱۳۹۰، پژوهشنامه مددکاری/اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۶۴-۲۹.

برتران، بدیع (۱۳۹۳)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، چاپ هفتم، تهران: قومس.

بشپریه، حسین (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی)، چاپ بیستم، تهران: نی.

پناهی، محمدحسین، شایگان، فریبا (۱۳۸۶)، اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی، علوم اجتماعی، ش ۳۷، صص ۷۳-۱۰۸.

جهانگیری، جهانگیر، ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱) تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایش در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)، دانش سیاسی، شماره ۲، صص ۲۶-۵.

جوادی، علی‌محمد، ملکی‌امیر (۱۳۹۹)، فرا تحلیل کیفی آرا صاحب‌نظران طبقه اجتماعی در ایران (با تأکید بر طبقه متوسط)، جامعه‌شناسی تاریخی، شماره ۲، ۱۳۹-۱۷۰.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم سیاسی، چاپ دوم، قم: دانشگاه مفید.
دلاور، علی (۱۳۸۳)، مبانی نظری و عملی پژوهش، تهران: رشد.

ذوالفقاری، اکبر، جعفری علی‌آبادی، عاطفه (۱۳۹۷)، تبیین اعتماد سیاسی به مثابه سرمایه سیاسی؛ فرا تحلیل پژوهش‌های موجود، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۳، صص ۶۱-۳۱.

روحانی، محسن، حسینی دانا، حمیدرضا، میر اسماعیلی، بی‌بی سادات، جهانشاهی،

امید و علی‌اکبر فرهنگی (۱۴۰۱)، نقش صداوسیما در تقویت اعتماد سیاسی، رسانه، شماره ۱۲۷، صص ۲۸-۲۹.

زاهدی، شمس‌السادات، خانباشی، محمد (۱۳۹۱)، چارچوبی نظام‌مند برای تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در ایران، مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، شماره ۶۸، صص ۳۳-۶۶.

سرایبی، حسن، صفیری، نسرین (۱۳۶۱)، بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان: مطالعه دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴، صص ۹۶-۷۱.

سیدامامی، کاووس، منتظری‌مقدم، رضا (۱۳۹۱)، نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پژوهش‌های علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص ۱۸۹-۲۱۶.

شایگان، فریبا (۱۳۸۹)، نگرش نسبت به رفاه اجتماعی-اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۷۸. شفیعی‌سیف‌آبادی، محسن (۱۴۰۰)، بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آیند رفتار انتخابات شهروندان: بر پایه نظریه مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریونویسی شوارتز، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۶۳-۱۰۸.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۹)، فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آس‌یب‌شناسی اجتماعی ایران، علوم اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۱۰۳-۶۷. طالبی، ابو تراب، حیدری، سیامک، فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴، صص ۱۷۹-۲۰۸.

عیسی‌نیا، رضا (۱۳۹۷)، نقش سرمایه اجتماعی در پایداری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۴، صص ۶۳-۳۵.

فرستخواه، مقصود (۱۴۰۱)، *کنشگران مرزی*، تهران: گام نو.

قلی‌پور، رحمت اله، الوانی، سید مهدی، زراعی متین، حسن، جندقی، غلامرضا، حمیدی زاده، علی (۱۳۹۱)، طرح مدل عوامل مؤثر بر استفاده از سیاست پژوهی در یاست گذاری؛ با استفاده از نگاشت مفهومی، *مجلس و راهبرد*، شماره ۷۰، ۱۳۲-۱۰۳.

قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱)، *بی‌اعتمادی و نظام‌های سیاسی*، *جامعه سالم*، ۲(۶).

کاظمی، عبدالمحمد، گودرزی محسن (۱۴۰۱)، فراز و فرود اعتماد در ایران طی نیم‌قرن اخیر: نگاهی به روندها، علل و پیامدها، *مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱، صص ۲۰۸-۱۸۱.

کهرآزهی، احمد، خسروی، محمدعلی، توحیدفام، محمد، خسروی باب اناری، ملک‌تاج (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در مشارکت اجتماعی و سیاسی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی بر روند اعتماد سیاسی جامعه بلوچستان، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، شماره ۴، صص ۳۱۴۶-۳۱۳۵.

کوشکی، امین (۱۳۹۶)، بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار، *مدیریت شهری*، شماره ۴۷، صص ۱۷۶-۱۶۵.

گرانمایه‌پور، علی، نوروزپور، محمدرضا (۱۳۹۰)، نگاهی به نقش خبری رسانه ملی در گرایش کارشناسان ارتباطات به اخبار و گزارش‌های رسانه‌های خارجی در انتخابات دهم ریاست جمهوری، *فرهنگ ارتباطات*، شماره ۱، صص ۱۷۲-۱۶۹.

مرادی، سالار، دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۸)، *سنجش اعتماد سیاسی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن در استان کردستان*، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۲۹، صص ۸۱-۱۱۰.

هرسیج، حسین (۱۳۸۳)، *کسری اعتماد سیاسی: ریشه‌ها و راهکارهای مقابله با آن در نظام مردم‌سالاری دینی*، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۲۱، صص ۲۶۴-۲۳۹.

References

Almond G. Powell B(1966), *Comparative Politics: a Developmental Approach*, Boston: Little Brown and Co.

Almond, Gabriel, Powell, Bingham, Monte, Robert (1997), *A Theoretical Framework for Analyzing Comparative Politics*, translated by Alireza Tayeb, Tehran: Public Administration Education Center

Baudrillard, jean: 1975 (1973) *The Mirror of Prouduction*. Trans by Mark

Baudrillard, jean: 1994 (1981) *Simulacra and Simulation*. Trans by Sheila Faria

Baudrillard, jean: 1998 (1970) *The Consumer Society: Myths and Structures*.

Bertran, Badieh (2013), *political development*, translated by Ahmad Naqibzadeh, 7th edition, Tehran: Qoms.

easton, D. 1975. A Re-Assessment of the Concept of Political Support. *British Journal of Political Science*. 5 (4).

Easton. David(1965), *A System Analysis of Political Life*, New York: John Wiley.

Eston, David, (1965), *A Framework for Political Analysis*, Englewood

- Fokuyama, F (1995), *Trust: The Social Virtuous and the Creation of Prosperity*; New York, The Free Press. Glaser, University of Michigan Press .
- Habermas, Jurgen(1984), *The Theory of Communicative Action*, Oxford: Policy Press
- Hetherington M. J (1998), The Political Relevance of Political Trust; *American Political Science Review*, Vol.92, No.4: 791-808.
- Mishler, W. & Rose. R. 2005. What are the Political Consequences Of Trust? A Test of Cultural and Institutional Theories in Russia. *Comparative Political Studies*, 38(9).
- Mobus, George E, Kalton, Michael C. (2015) *Principles of System Science*, Springer Science: New York Cliffs, New Jersey: Prentice – Hall
- Sjostrom, B., & Dahlgren, L. O. (2002). Nursing theory and concept development or analysis: Applying phenomenography in nursing research. *Journal of Advanced Nursing*, 40(3), 339–345
- Svensson, L. (1997). Theoretical Foundations of Phenomenography. *Higher Education Research & Development*, 16(2), 159–171.
- Wong. T. K. Hsin-Huang, M. H. & Wan, P. (2009). Comparing Political Trust in Hong Kong and Taiwan: Levels, Determinants, and Implications. *Japanese Journal of Political Science* 10 (2), 147-174.

Translated References into English

Asadi, Abbas, Razavi, Seyed Mehdi (2014), Political trust in the multimedia society (with emphasis on the role of the national media in the political trust of the citizens of the Islamic Republic of Iran), *Researches of the Islamic Revolution* (14), pp. 139-156. [In Persian]

Bashirieh, Hossein (2012), *Political Sociology (the role of social forces in political life)*, 20th edition, Tehran: Ni. [In Persian]

Ehsanian Arabi, Majid (2012), Functions of the national media with a reflection on its role in the field of political trust, *Rahvard Saisyat*, No. 41 and 42, pp. 24-7. [In Persian]

Etamadi Fard, Seyed Mehdi (2013), Sociological study of students' socio-political trust in Iran (with an emphasis on secondary analysis of several national surveys), *Iran Cultural Research Quarterly*, No. 3, pp. 27-54. [In Persian]

Farastkhah, Maqsood (1401), *Border Activists*, Tehran: New Step. [In Persian]

Ghavam, Abdul Ali (2011), distrust and political systems, *Salem society*, 2(6). [In Persian]

Gholipour, Rahmat Elah, Elwani, Seyed Mehdi, Zarai Matin, Hassan, Jandaghi, Gholamreza, Hamidizadeh, Ali (2013), the design of the model of factors affecting the use of political research in policy making; Using conceptual mapping, *Majles and Strategy Quarterly*, No. 70, 103-132. [In Persian]

- Granmayepour, Ali, Nowrozpour, Mohammadreza (2018), a look at the news role of national media in the orientation of communication experts to foreign media news and reports in the 10th presidential election, *Culture of Communication*, No. 1, pp. 169-172. [In Persian]
- Hagit, Seyyed Sadegh (2007), *Political Science Methodology*, second edition, Qom: Mofid University. [In Persian]
- Hersij, Hossein (2004), Political Trust Deficit: Its Roots and Countermeasures in the Religious Democracy System, *Epistemological Studies Quarterly at Islamic University*, No. 21, pp. 239-264. [In Persian]
- Isania, Reza (2017), The role of social capital in the stability of the political system of the Islamic Republic of Iran, *Islam and Social Studies*, No. 4, pp. 35-63. [In Persian]
- Jahangiri, Jahangir, Abu Tarabi Zarchi, Fatemeh (2018) Analysis of factors related to students' political trust (survey among students of Shiraz University), *Historical Sociology*, number 2, pp. 5-26. [In Persian]
- Javadi, Ali Mohammad, Maliki Amir (2019), qualitative meta-analysis of opinions of social class experts in Iran (with emphasis on the middle class), *Historical Sociology*, No. 2, 139-170. [In Persian]
- Kazemi, Abdul Mohammad, Gudarzi Mohsen (1401), The descent of trust in Iran during the last half century: a look at the trends, causes and consequences, *Iranian Social Issues Quarterly*, No. 1, pp. 181-208. [In Persian]

- Kohrazhi, Ahmed, Khosravi, Mohammad Ali, Tawheed Pham, Mohammad, Khosravi Bab Anari, Melktaj (2019), Investigating the effect of government policies and programs on the social and political participation of post-Islamic revolution governments on the process of political trust in Baluchistan society, *Political Sociology of Iran*, No. 4, pp. 3146-3135. [In Persian]
- Koshki, Amin (2016), investigating the relationship between the amount of mass media use in cities and the political trust of citizens; Case example: teachers of Sabzevar city, *Urban Management Journal*, No. 47, pp. 176-165. [In Persian]
- Moradi, Salar, Delavari, Abolfazl (2018), Measuring political trust and identifying the factors affecting it in Kurdistan province, *Strategic Policy Research Journal*, No. 29, pp. 81-110. [In Persian]
- Omidi, Reza (2021), social policymaking and the issue of hope: a study of society's assessment of the future in national surveys of the 2010s, *Social Work Research Journal*, No. 27, pp. 29-64. [In Persian]
- Panahi, Mohammad Hossein, Shaygan, Fariba (2006), the effect of religiosity on political trust, *Social Science Quarterly*, Vol. 37, pp. 108-73. [In Persian]
- Rouhani, Mohsen, Hosseini Dana, Hamid Reza, Mir Esmaili, Bibi Sadat, Jahanshahi, Omid and Ali Akbar Farhangi (1401), The Role of Radio and Television in Strengthening Political Trust, *Media Magazine*, No. 127, pp. 28-5. [In Persian]

Saraei, Hassan, Safiri, Nasreen (2017), Survey of students' political trust: A study of Amirkabir University students, *Iran Social Development Studies*, No. 4, pp. 71-96. [In Persian]

Sediq Sarostani, Rahmat Elah (1379), meta-analysis of studies conducted in the field of social pathology in Iran, *Social Sciences Quarterly*, No. 15, pp. 67-103. [In Persian] .

Seyed Emami, Kavos, Montazeri Moghadam, Reza (2013), The role of the culture of trust and the performance of political institutions in creating political trust: a survey of Tehran university students, *Journal of Political Science Research*, No. 28, pp. 216-189. [In Persian]

Shafi'i Seifabadi, Mohsen (1400), investigating the reasons for the decrease in popular participation in the 1400 elections and the future of citizens' election behavior: based on Milbrath's theory of political participation and Schwartz's scenario writing theory, *Political Science Research Journal*, No. 3, pp. 63-108. [In Persian]

Shaygan, Fariba (2009), Attitude towards socio-economic welfare and its relationship with political trust in Tehran, *welfare planning and social development*, number 3, pp. 178-145. [In Persian]

Talebi, Abu Torab, Heydari, Siamak, Fateminia, Siavash (2007), Factors affecting political trust: a survey among students of Sharif University of Technology, *Journal of Political Science Research*, No. 4, pp. 179-208. [In Persian]

Zahedi, Shams al-Sadat, Khanbashi, Mohammad (2012), A Systematic Framework for Analyzing Factors Affecting Political Trust in Iran, *Journal of Management, Improvement and Transformation Studies*, No. 68, pp. 33-66. [In Persian]

Zulfiqari, Akbar, Jafari Aliabadi, Atefeh (2017), explaining political trust as political capital; Meta-analysis of existing researches, *Journal of Political Sociology of Iran*, No. 3, pp. 31-61. [In Persian]

استناد به این مقاله: قربانی، مصطفی و پاشائی، مجتبی. (۱۴۰۵). بازآفرینی اعتماد سیاسی در ایران امروز. دولت‌پژوهی، ۱۲(۴۵)، ۴۰۷ - ۴۴۹. doi: 10.22054/tssq.2024.74485.1428



The State Studies Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License